

اثربخشی رویکرد مدیریت اجتماع‌محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهي و کاهش مطروديت اجتماعي (مطالعه موردی: شهرستان ريگان، استان کرمان)

مهدی قربانی*^۱ - خدیجه بوزرجمهري^۲ - لیلیا عوض پور^۳ - زهرا منصورى^۴

۱- دانشیار احیای مناطق خشک و کوهستانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲- دانشیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران.

۳- دانشجوی دکتری مدیریت مرتع (مرتعداری)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۴- دانشجوی دکتری مدیریت مرتع (مرتعداری)، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۸ مرداد ۱۳۹۶

تاریخ دریافت: ۲۱ شهریور ۱۳۹۵

چکیده

هدف: هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر رویکرد اجتماع‌محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهي و کاهش مطروديت اجتماعي از طریق روش تحلیل شبکه در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه اجتماع‌محور RFLDL (احیای اراضی جنگلی و تخریب‌یافته با تأکید ویژه بر اراضی شور و حساس به فرسایش بادی) در بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه است.

روش تحقیق: در این تحقیق براساس روش پیمایشی و با استفاده از مشاهده مستقیم و مصاحبه با گروه‌های هدف، گره‌های شبکه شامل سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه (به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در هر زیرگروه) شامل ۳۳ نفر در چهار منطقه می‌باشند.

یافته‌ها: میزان شاخص تراکم در بین سرگروه‌های چهار روستای مورد مطالعه در پیوندهای اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه افزایش یافته است. افزایش میزان تراکم در افراد سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح افراد می‌شود. دوسویگی پیوندها نیز در ابعاد اعتماد و مشارکت بعد از اجرای پروژه روند افزایشی داشته است. افزایش این شاخص باعث پایداری شبکه سرگروه‌ها به میزان مطلوب شده است. میانگین فاصله ژئودزیک در پیوندهای اعتماد و مشارکت در چهار روستا به ترتیب برابر با ۲/۰۵ و ۲/۰۹ بوده است. این میزان بعد از اجرای پروژه به ۱/۶۱ و ۱/۶۷ رسیده است. در واقع، نزدیک‌بودن عدد میانگین فاصله ژئودزیک به عدد یک، نشان‌دهنده بالا بودن سرعت گردش منابع و اطلاعات در افراد بوده و اتحاد و یگانگی بالای افراد را بیان می‌کند. میزان این شاخص بعد از اجرای پروژه متوسط ارزیابی می‌شود. شاخص E-I در میزان اعتماد برون‌گروهي به میزان حدود ۲ برابر در بین ۴ روستای پایلوت افزایش یافته است و از نظر شاخص مشارکت در حدود ۱/۵ برابر افزایش یافته است که این امر به نوبه خود در افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهي و متعاقباً کاهش مطروديت اجتماعي نقش مهمی را ایفا می‌کند.

محدودیت‌ها: در پروژه بین‌المللی RFLDL به جنبه‌های تقویت دانش و مهارت و ایجاد اشتغال‌زایی در مناطق مختلف توجه بیش‌تری شده است. اگرچه تقویت سرمایه اجتماعی از طریق نهادهای و ظرفیت‌سازی مد نظر بوده، بررسی روند تغییرات از نگاه سرمایه اجتماعی در طول اجرای پروژه مورد غفلت قرار گرفته است.

راه‌کارهای عملی: به کارگیری روش تحلیل شبکه‌ای در تحلیل و ارزیابی ابعاد اجتماعی پروژه‌های توان‌مندسازی جوامع محلی و ارزیابی میزان اثربخشی پروژه‌های مشارکتی و مردم‌محور جهت نشان‌دادن روند تغییرات اجتماعی.

اصالت و ارزش: این مطالعه به دلیل این‌که از روش تحلیل شبکه برای اولین بار در ایران برای ارزیابی سرمایه اجتماعی به صورت کمی استفاده کرده است، جدید است و سایر محققان نیز می‌توانند از روش طی شده و یافته‌های آن در سایر تحقیقات استفاده کنند.

کلیدواژه‌ها: سرمایه اجتماعی برون‌گروهي، مطروديت اجتماعي، تحلیل شبکه اجتماعی، پروژه بین‌المللی RFLDL شهرستان ريگان.

ارجاع: قربانی، م.، بوزرجمهري، خ.، عوض پور، ل. و منصورى، ز. (۱۳۹۵). اثربخشی رویکرد مدیریت اجتماع‌محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهي و کاهش مطروديت اجتماعي (مطالعه موردی: شهرستان ريگان، استان کرمان). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۶(۲)، ۱۵۷-۱۶۹.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrrp.v5i4.58795>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

سکوت و ازمیان‌بردن حاشیه‌نشینی و کاهش انزوای اجتماعی خواهد بود (طوسی، ۱۳۷۰، ص. ۸).

بنابراین، رویکرد اجتماع‌محور و لزوم جلب مشارکت مردمی و توان‌مندسازی آن‌ها در راستای ایجاد ظرفیت تصمیم‌گیری در زمینه مسائل و سیاست‌گذاری‌های مربوط به منطقه خود، افزایش سرمایه اجتماعی، کاهش مطرودیت اجتماعی و به دنبال آن توسعه پایدار محلی را به همراه دارد. پروژه اجتماع‌محور RFLDL که با هدف ازمیان‌برداشتن موانع کلیدی پیش روی مدیریت پایدار سرزمین شکل گرفته است. از سویی، با تشکیل گروه‌های خرد توسعه و بهبود سرمایه اجتماعی افراد منجر به واردشدن مردم در شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه خود شده و از این طرق موجب کاهش انزوا و طرد اجتماعی افراد شده است. از سویی دیگر، با تشکیل صندوق‌های خرد اعتبار بین گروه‌های توسعه و بهبود وضعیت اقتصادی افراد و ایجاد معیشت‌های جای‌گزین موجب کاهش اتکا به عرصه‌های طبیعی و احیای تنوع زیستی می‌شود.

با توجه به این موارد، هدف از تحقیق حاضر بررسی تأثیر رویکرد اجتماع‌محور در راستای تقویت سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و کاهش مطرودیت اجتماعی از طریق روش تحلیل شبکه در دو بازه زمانی قبل و بعد از اجرای پروژه اجتماع‌محور RFLDL بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه در چهار روستای زیارت‌شاه، ده رضا، رستم‌آباد علی چارک و علی‌آباد هشتصدمتری است.

۲.۱. پیشینه نظری تحقیق

غفاری و امیدی (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان «چرخش مفهومی و نظری از فقر به سازه مطرودیت اجتماعی» بیان کردند که مقیاس تحلیل مطرودیت از سطح فردی به اجتماعی ارتقا پیدا کرده است؛ به گونه‌ای که با مطالعاتی چون تأثیر انسجام، هم‌بستگی اجتماعی و سرمایه اجتماعی بر فروپاشی مطرودیت اجتماعی مواجه هستیم و همین امر بسیاری از کشورها را بر آن داشته تا نسبت به مهار مطرودیت اقدام و فرآیند ادخال اجتماعی را تقویت کنند.

استینرت (۲۰۰۳)، در تحقیق خود با عنوان «فرهنگ رفاه و مطرودیت اجتماعی، با استفاده از مفهوم مشارکت به عنوان یکی از ابعاد مهم سرمایه اجتماعی»، مطرودیت را طرد از

رویکرد مدیریت اجتماع‌محور در کاهش فقر و افزایش ظرفیت‌ها، رویکردی است که ادبیات خاص خود را به همراه دارد. مدیریت اجتماع‌محور محلی بر ظرفیت‌سازی، نهادسازی و در واقع، بر نوعی افزایش سرمایه اجتماعی در جوامع محلی تأکید دارد. افزایش سرمایه اجتماعی (درون و برون‌گروهی) یکی از ارکان اساسی در توان‌مندسازی اجتماعی جوامع محلی بوده که با تقویت این سرمایه در کنار سرمایه‌های طبیعی، مالی، فیزیکی-زیرساختی و انسانی، توسعه پایدار انسانی محقق می‌شود (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۲). هدف اصلی رویکرد مدیریت اجتماع‌محور، درگیرکردن نیروهای بومی و محلی در فرآیندهای برنامه‌ریزی، سیاست‌گذاری، هماهنگی، کنترل و سازمان‌دهی مدیریت با هدایت دولت است (فیشر، ۲۰۰۱، ص. ۴۰). بنابراین، موضوع مهمی که در این رویکرد بر آن پافشاری می‌شود، تأکید بر جلب مشارکت افراد و توجه به شبکه‌های رسمی و غیررسمی است. از آن‌جا که سرمایه اجتماعی و طرد اجتماعی دو روی یک سکه هستند، می‌توان استدلال کرد افزایش مشارکت مردمی با عنوان رویکرد مدیریت اجتماع‌محور و در واقع، افزایش سرمایه اجتماعی، منجر به کاهش طرد اجتماعی خواهد شد. طرد اجتماعی فرآیندی است که طی آن افراد یا گروه‌ها به طور کامل یا جزئی از شبکه‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه جدا می‌شوند (پوگی، ۲۰۰۴، ص. ۴۹). براساس نظریه طرد اجتماعی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی به دلیل ایجاد انگیزه شرکت در فعالیت‌های مشارکتی عاملی مؤثر بر کاهش طرد اجتماعی در جوامع است. دو مؤلفه اثرگذار بر میزان سرمایه اجتماعی اعتماد و مشارکت است که اعتماد یکی از عناصر مهم و حیاتی در امر مشارکت بوده و به عنوان تسهیل‌کننده فضای رفتار جمعی و ایجادکننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت تلقی می‌شود (زینی، ۲۰۱۳، ص. ۷۹). مشارکت به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن‌ها اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا شرکت کرده و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم در شکل‌دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند (محسنی تبری، ۱۳۶۹، ص. ۱۰۸) و حاصل آن تسهیل در شنیدن صدای دیگران، احساس مالکیت‌کردن، نیرومندساختن ناتوانان، درهم‌شکستن فرهنگ

مشارکت در تولید، عرضه و بهره‌برداری از منابع اجتماعی می‌داند.

درویشی، قربانی، فاخران و سفیانیان (۱۳۹۳) در تحقیق خود به اثربخشی رویکرد اجتماع‌محور در توان‌مندسازی جوامع محلی و کاهش مضرودیت اجتماعی پرداخته و یکی از جنبه‌های مضرودیت را فقدان مشارکت اجتماعی و روابط میان افراد معرفی کردند.

۲. روش‌شناسی تحقیق

۱.۲. معرفی پروژه بین‌المللی RFLDL

پروژه احیای اراضی جنگلی و تخریب‌شده با تأکید ویژه بر اراضی حساس به فرسایش بادی و خاک‌های شور (RFLDL)، اقدامی مشترک بین سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور به عنوان نماینده دولت جمهوری اسلامی ایران،

تسهیلات جهانی زیست‌محیطی و سازمان غذا و کشاورزی ملل متحد می‌باشد که از کوشش‌های دولت جمهوری اسلامی ایران در توسعه و اجرای رویکردهای توسعه پایدار محیط زیست مناطق خشک و نیمه‌خشک کشور از طریق اجرای طرح‌های مدیریت پایدار یک‌پارچه و مشارکتی سرزمین و جنگل حمایت می‌کند. یکی از اقدامات اساسی در این پروژه، ظرفیت‌سازی و نهادسازی گروهی در بین ذی‌نفعان محلی در چهار منطقه مورد نظر بوده که راه‌اندازی کمیته‌های خرد توسعه از اقدامات اساسی در راستای بسیج جامعه محلی بوده است (کارگر، نوش آفرین، یوسفی و هابیلی، ۱۳۹۴، ص. ۱۰). جدول (۱) فعالیت‌ها و اقدامات کلیدی پروژه در منطقه را نشان می‌دهد (وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۳).

جدول ۱- فعالیت‌ها و اقدامات کلیدی پروژه RFLDL در استان کرمان

مأخذ: وزارت جهاد کشاورزی، ۱۳۹۳، ص. ۳

عنوان فعالیت	اقدامات کلیدی	کرمان	
افزایش آگاهی در سطوح ملی، استانی و محلی درباره پروژه	برگزاری کارگاه‌ها و جلسات توجیهی برای دست‌اندرکاران استانی و محلی، کارکنان پروژه و جوامع محلی	۲۲ کارگاه	
	بازدید دست‌اندرکاران از پروژه ترسیب کربن	۱ بازدید - ۲۹ نفر	
	برگزاری کارگاه تجزیه و تحلیل دست‌اندرکاران	۱ کارگاه	
بسیج و سازمان‌دهی جوامع محلی	تشکیل کمیته‌های مدیریت منابع و توسعه روستایی	۱۰ کمیته ۱۶۰ جلسه توجیهی تعداد اعضا: ۱۰۸ نفر (۷۰ مرد و ۳۸ زن)	
	تشکیل کمیته‌های مدیریت منابع و توسعه حوزه آبخیز	۱ کمیته تعداد کل اعضا ۳۰ نفر (۲۱ مرد و ۹ زن)	
	راه‌اندازی صندوق‌های توسعه پایدار جوامع محلی	تعداد صندوق‌های راه‌اندازی شده	۱۰
		تعداد گروه‌ها	۹۲
		تعداد اعضا	۱۴۲۸ نفر (۷۷۶ مرد و ۷۰۲ زن)
		تعداد خانوارهای عضو صندوق	۱۶۲۰
		سرمایه صندوق (میلیون ریال)	۷۳۶
		تعداد و مبلغ وام‌های پرداختی	۲۸۱ مورد (۱۶۵ مرد و ۱۱۶ زن)
		درصد بازپرداخت وام	۹۸/۵
	ظرفیت‌سازی و آگاهی‌بخشی به اعضای کمیته‌ها و صندوق‌های روستایی و جوامع محلی	برگزاری کارگاه‌های آموزشی و ترویجی	۲۸ کارگاه
بازدیدهای آموزشی از پروژه‌های موفق		۱ بازدید از ساست پروژه ترسیب کربن - ۳۸ نفر	

ادامه جدول ۱

عنوان فعالیت	اقدامات کلیدی	کرمان
تهیه طرح‌های توسعه روستایی و طرح‌های جامع توسعه حوزه آبخیز	تهیه مشارکتی نقشه‌های منابع روستا	۱۰
	نیازسنجی مشارکتی به منظور شناسایی و اولویت‌بندی مشکلات و تدوین طرح‌های توسعه روستایی	۱۵
احیای مشارکتی اراضی مرتعی تخریب‌شده و اجرای اقدامات مرتبط با کنترل فرسایش بادی	اجرای فعالیت‌ها احیایی با مشارکت جوامع محلی	تولید نهال گلدانی و ریشه‌ای
		۲۵۰۰۰ اصله
		نهال کاری و آبیاری
		۲۵۰ هکتار
		آبیاری سنوایی
		۱۴۰ هکتار (۸۲ مرحله)
حفاظت و قرق		
۴۹۸۳ هکتار		
فعالیت‌های آبخیزداری		
۲۵۵۶۲ متر مکعب		
مدیریت هرزآب		
۲۰۰ هکتار		
احداث بادشکن اطراف مزارع	۱۵ هکتار	
استقرار اولین ایستگاه پایش فرسایش بادی کشور در محدوده سایت ریگان، پایش مستمر رخدادهای توفان ماسه در منطقه و تهیه و ارائه سه مقاله با استفاده از داده‌های به‌دست‌آمده از ایستگاه فوق در سومین همایش ملی فرسایش بادی		
ترویج کشت محصولات زراعی جای‌گزین	ترویج و توسعه کشت گیاهان دارویی	شناسایی و ترویج گونه‌های چندمنظوره و نیز اصلاح گونه‌های چندمنظوره سازگار با منطقه به منظور استفاده از محصولات آن‌ها و افزایش درآمد جوامع محلی
ترویج مشاغل جای‌گزین و بهبود وضعیت معیشتی جوامع محلی	برگزاری کارگاه‌ها، دوره‌ها و بازدیدهای آموزشی درباره مشاغل جای‌گزین و حمایت و راه‌اندازی معیشت‌های پایدار	آموزش، حمایت و راه‌اندازی ۲۹ نوع فعالیت معیشتی پایدار شامل پرورش شتر، احداث مرغداری، پرورش گاو، پرورش بوقلمون، پرورش مرغ بومی، کشت درخت خرما، کشت یونجه، تسطیح اراضی، احداث باغچه‌های روستایی، آرایش‌گری، خیاطی، سوزن‌دوزی، گلدوزی، مغازه‌داری، پخت نان محلی، بلوک‌زنی
کاهش وابستگی جوامع محلی به سوخت هیزمی	توسعه انرژی‌های جای‌گزین	توزیع ۴۰ تنور گازی بین اعضای کمیته‌های روستایی به صورت تسهیلات با هم‌کاری اداره کل منابع طبیعی و آبخیزداری استان کرمان، صندوق توسعه بخش کشاورزی و صندوق‌های توسعه روستایی
توسعه هم‌کاری‌های بین‌بخشی	تخصیص ردیف اعتباری برای پروژه در سایت ریگان در موافقت‌نامه مالی استان کرمان توسط فرمانداری ریگان، عضویت پروژه در شورای اداری، کمیته برنامه‌ریزی و کارگروه اشتغال شهرستان ریگان انعقاد ۸ تفاهم‌نامه هم‌کاری مشترک با کمیته امداد امام خمینی، جهاد کشاورزی، محیط زیست، مؤسسه تحقیقات جنگل و مرتع، هلال احمر، فنی و حرفه‌ای و بهزیستی	
تحقیق و مطالعه	حمایت از طرح‌های تحقیقاتی	بررسی سازگاری گیاهان دارویی، بررسی تکثیر گیاهان دارویی به روش کشت بافت، بررسی نوع و میزان مواد مؤثر آویشن، درصد جوانه‌زنی اسکنبیل، مطالعه طرح جامع آبخیزداری زیرحوزه
توسعه زیرساخت‌ها	حمایت از اجرای پروژه‌های توسعه‌ای شامل توسعه و بازسازی زیرساخت‌ها و فضاهای آموزشی، بهداشتی، زیست‌محیطی، راه و غیره از طریق تسهیل مشارکت کمیته‌های روستایی و اداره‌های ذی‌ربط	
اطلاع‌رسانی به مسئولان و دست‌اندرکاران کلیدی درباره پیشرفت‌ها و دست‌آوردهای پروژه	برگزاری جلسات گزارش‌دهی به مقامات و دست‌اندرکاران سامان‌دهی شش مورد بازدید برای مسئولان و دست‌اندرکاران شامل بازدید مسئولان و کارشناسان فائو (دفتر نمایندگی و مرکزی) و بازدید مسئولان کشورهای مختلف	
حمایت از برنامه‌های فرهنگی	حمایت از دو تیم ورزشی و احداث زمین فوتبال در ریگان	
مستندسازی و ترویج	طراحی و چاپ بروشور، تهیه بسته‌های آموزشی، فیلم مستند، بنر، تابلوهای معرفی پروژه و سایر مواد ترویجی چاپ چندین مقاله درباره پروژه در مجه‌های معتبر طراحی، راه‌اندازی و مدیریت وبسایت و سیستم اطلاع‌رسانی پیام کوتاه پروژه شرکت در مصاحبه‌های مطبوعاتی و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی	

۲.۲. منطقه مورد مطالعه

شهرستان ریگان با وسعتی حدود ۸۵۸۴۰۰ هکتار در جنوب شرقی استان کرمان واقع شده است و تحت پوشش پروژه بین‌المللی RFLDL قرار دارد. شهرستان ریگان دارای دو بخش مرکزی و گنبدی بوده که شامل یک مرکز شهری، دو بخش، چهار دهستان و ۲۶۲ روستا با مجموع جمعیت ۶۶۳۲۵ نفر است. در اکثر ایام سال هجوم شن‌های روان خانه، مزارع، باغ‌ها و جاده‌های شهرستان را مورد تهدید و نابودی قرار دهد و تعدادی از مردم روستایی مجبور به ترک روستا شده‌اند.

۳.۲. روش تحقیق

در این مقاله روابط اعتماد و مشارکت، از مهم‌ترین ابعاد سرمایه اجتماعی بین ذی‌نفعان محلی (سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی) در مراحل مختلف قبل و بعد از اجرای پروژه اجتماع‌محور RFLDL، جهت بررسی کارایی و اثربخشی این پروژه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی و کاهش مطرویدیت اجتماعی، در ۴ روستای رستم‌آباد علی چارک، زیارت شاه، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری تحلیل و ارزیابی شده است. انتخاب روستاهای هدف به روش تصادفی از مجموع ۳۸ روستای تحت پوشش پروژه انجام شده است. در این تحقیق براساس روش پیمایشی و با استفاده از مشاهده مستقیم و مصاحبه با گروه‌های هدف، گروه‌های شبکه شامل سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه (به عنوان تصمیم‌گیرندگان اصلی در هر زیرگروه) در هر منطقه مشخص شدند. این افراد براساس انتخابات محلی توسط روستاییان انتخاب شده‌اند و شامل ۳۳ نفر در چهار منطقه می‌باشند. جهت بررسی روابط برون‌گروهی و نیز سنجش میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در مناطق چهارگانه مورد نظر، میزان روابط اعتماد و مشارکت بین سرگروه‌ها در یک شبکه مورد تحلیل قرار گرفتند. روش تحلیل شبکه‌ای مورد استفاده در این تحقیق روش شبکه کامل^۶ است که کل اعضای شبکه را مورد بررسی قرار می‌دهد. در نهایت، داده‌های جمع‌آوری شده در نرم‌افزار UCINET نسخه ۶/۵۰۷ مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

۴.۲. روش تحلیل شبکه

شبکه اجتماعی شامل ذی‌نفعان و روابط بین آن‌ها است. روش تحلیل شبکه اجتماعی با تحلیل الگوی ساختاری روابط فی‌مابین کنش‌گران، قادر است شبکه غیر قابل مشاهده

ارتباطات میان ذی‌نفعان را قابل مشاهده ساخته و به عنوان یک ابزار کارآمد در سنجش سرمایه اجتماعی با فراهم کردن ورودی‌های ارزشمند برای مدیران و سیاست‌گذاران، آن‌ها را در شناخت چالش‌های پیش روی عملیاتی‌کردن مدیریت اجتماع‌محور و سیاست‌گذاری جهت برطرف کردن این چالش‌ها یاری کند (ویگنولا، مک دانیل و شولز، ۲۰۱۳، ص. ۷؛ و سمن و فاست، ۱۹۹۴، ص. ۳۸) در روش تحلیل شبکه به منظور انجام کلیه محاسبات ریاضی از نرم‌افزار UCINET نسخه 6.515 استفاده شده و با استفاده از ماتریس داده‌های جمع‌آوری شده، شاخص‌های مورد نظر محاسبه و مورد ارزیابی قرار گرفته است. ملاک تعیین معیارها و شاخص‌ها سند برنامه عمل‌پاییش و ارزیابی شبکه‌های اجتماعی-سیاستی در توان‌مندسازی جوامع محلی و مدیریت جامع سرزمین است (قربانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۳). از جمله شاخص‌هایی که مطابق اهداف تعریف‌شده این تحقیق مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

تراکم شبکه^۸: این شاخص به صورت نسبت تعداد کل پیوندهای موجود بر تعداد کل پیوندهای ممکن در شبکه تعریف می‌شود (کوئزو^۹، ۲۰۱۴، ص. ۲۰۷). میزان این شاخص بین صفر تا یک و نیز صفر تا ۱۰۰ درصد متغیر است. تراکم بالا منجر به افزایش اعتماد و تسهیل در به‌اشتراک‌گذاری اطلاعات و منابع و هم‌چنین، افزایش مشارکت و هم‌کاری بین ذی‌نفعان خواهد شد. بنابراین، میزان سرمایه اجتماعی افزایش یافته و فعالیت‌های مشارکتی تسهیل می‌یابد (هانمن و ریدل^{۱۰}، ۲۰۰۵، ص. ۳۴؛ ابراهیمی، ۱۳۹۳، ص. ۵۰).

دوسویگی^{۱۱} پیوندها: میزان دوسویگی یکی از شاخص‌های مهم در تعیین میزان پایداری در شبکه مورد نظر است و می‌توان از این شاخص برای مشخص کردن میزان اعتماد و مشارکت متقابل استفاده کرد (لاهی و اندرسون^{۱۲}، ۲۰۰۸، ص. ۱۰۳).

شاخص E-I (نسبت پیوندهای برون‌گروهی به درون‌گروهی): میزان سرمایه اجتماعی ارتباطی یا برون‌گروهی را می‌توان براساس این شاخص سنجید. منظور از سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، میزان پیوند بین سرگروه‌های مختلف در کمیته‌های مختلف در چهار منطقه مورد نظر است (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۸۷). میانگین فاصله ژئودزیک^{۱۳}: این شاخص به عنوان میانگین کوتاه‌ترین فاصله بین یک جفت کنش‌گر تعریف می‌شود. جهت سنجش سرعت گردش و تبادل

است (عبدالحمید و عبدالرازک و اسماعیل^{۱۹}، ۲۰۱۰، ص. ۵۶۵). اعتماد بسترساز تعاملات اجتماعی و قانون مفهوم سرمایه اجتماعی است (محسنی تبریزی، معیدفر و گلابی، ۱۳۹۰، ص. ۴۲). هم‌چنین، بیان شده است که اعتماد یکی از عناصر اصلی و ضروری در تسهیل مشارکت ذی‌نفعان در رویکرد اجتماع‌محور به شمار می‌رود (استرن و کلمن^{۲۰}، ۲۰۱۴، ص. ۱۱۸؛ کارلسون و برکس^{۲۱}، ۲۰۰۵، ص. ۶۸).

مشارکت، حضور و دخالت آگاهانه، داوطلبانه، خلاق و متعهدانه افراد و اقشار مختلف جامعه در تصمیم‌گیری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه است (نجات حسینی، ۱۳۸۰، ص. ۲۵). به طور کلی، کمبود اعتماد و مشارکت در بین افراد در شبکه‌های اجتماعی کاهش سرمایه اجتماعی در میان جوامع را به دنبال خواهد داشت. این امر باعث می‌شود که افرادی که با سایر اعضای جامعه ارتباط برقرار نمی‌کنند، پیرامون شبکه قرار گیرند و به این ترتیب، نابرابری اجتماعی اتفاق می‌افتد که خود زمینه‌ساز طرد اجتماعی می‌باشد (اوراموف^{۲۲}، ۲۰۰۲، ص. ۲۶).

۳.۳. مطرودیت اجتماعی

مطرودیت اجتماعی عبارت است از تجزیه یا بدعمل کردن نظام‌های اصلی اجتماعی که به دلیل قطع و یا ضعیف شدن پیوندهای اجتماعی منجر به عدم مشارکت افراد در فعالیت‌های اجتماعی می‌شود که برای اکثریت افراد یک جامعه در دسترس است (تاج‌زینی، ۱۳۹۰، ص. ۵۲۸). فقدان پیوندهای برون‌گروهی می‌تواند موجب شکل‌گیری طرد اجتماعی برای گروه‌های فقیر و محروم شود. طرد اجتماعی نیز به عنوان فقر شبکه‌ای یا سرمایه اجتماعی ضعیف معرفی شده است. سرمایه اجتماعی باعث تکثر منابع اجتماعی می‌شود و در طرد اجتماعی به مصاف انزوا می‌رود و ادغام اجتماعی و اقتصادی را قوت می‌بخشد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹، ص. ۱۶۷).

۴. یافته‌ها

۴.۱. تحلیل ساختاری پیوندهای اعتماد و مشارکت بین

سرگروه‌های چهار روستا در سطح کلان

جهت تحلیل الگوی ساختاری شبکه سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه روستایی در روستاهای زیارت شاه، رستم‌آباد، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری، روابط بین سرگروه‌های موجود در این چهار روستا به عنوان رهبران

(اعتماد و مشارکت) و پخش منابع و اطلاعات در شبکه از این شاخص استفاده می‌شود. میزان بالای این شاخص نشان‌دهنده سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت بین ذی‌نفعان و اتحاد و یگانگی بین افراد است. بنابراین، زمان کم‌تری جهت هماهنگ‌سازی افراد برای مدیریت یک منبع مشخص صرف می‌شود (هانمن و ریدل، ۲۰۰۵، ص. ۳۴).

۳. مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

۳.۱. رویکرد اجتماع‌محور

در رویکرد مدیریت اجتماع‌محور، جوامع محلی به عنوان جوامعی که توانایی عمل و مشارکت دارند، در نظر گرفته می‌شوند نه جوامعی که باید به آن‌ها کمک کرد و یا این که آن‌ها ناتوان هستند. از این رو، این رویکرد از همکاری اجتماعی محلی و مشارکت محلی در فرآیند مدیریتی استقبال می‌کند (باکل^{۱۴}، ۲۰۰۰، ص. ۱۱). در سال‌های اخیر مشارکت ذی‌نفعان یا دست‌اندرکاران در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات برای عرصه‌های طبیعی در قالب مدیریت اجتماع‌محور مورد بحث قرار گرفته است و به عنوان روشی برای ارتقای سرمایه اجتماعی مورد حمایت گسترده واقع شده است (لینرت^{۱۵}، ۲۰۱۳، ص. ۱۳۷؛ دیویس، کانگ و وینسنت^{۱۶}، ۲۰۰۱، ص. ۱۷۵۹). و از آن‌جا که طرد اجتماعی به منزله فقدان سرمایه اجتماعی می‌باشد. در نتیجه، می‌توان بیان کرد رویکردهای اجتماع‌محور با افزایش سرمایه اجتماعی در روابط فی‌مابین افراد، راه‌کاری مناسب جهت کاهش مطرودیت اجتماعی محسوب می‌شوند.

۳.۲. سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی، پدیده‌ای مدیریتی است و برای آن ویژگی‌های گوناگونی تعریف شده که شامل اعتماد و رفتارهای مشترک، ارتباطات، همکاری، تعهد متقابل، شناخت متقابل و شبکه‌هاست (ویلانووا و جوسا^{۱۷}، ۲۰۰۳، ص. ۳۰). سرمایه اجتماعی در ساختار روابط میان کنش‌گران نهفته است و کنش‌های اجتماعی را تسهیل می‌کند (تاج‌بخش، ۱۳۸۹، ص. ۱۲؛ سوزوکی^{۱۸}، ۲۰۱۰، ص. ۱۳۶۸). تقویت سرمایه اجتماعی منجر به مشارکت و ارتباط افراد با یکدیگر می‌شود و از این طریق نقش مهمی در کاهش مطرودیت دارد. سرمایه اجتماعی برون‌گروهی سبب تقویت منابع و اطلاعات در بین افراد می‌شود براساس نظریه طرد اجتماعی، سرمایه اجتماعی برون‌گروهی عاملی مؤثر بر کاهش طرد اجتماعی در جوامع

در میان سرگروه‌ها در مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه به ترتیب ۲۵/۷۰ و ۳۴ درصد است که به میزان ۸/۳ درصد افزایش داشته است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص تراکم در پیوندهای مختلف در مرحله بعد از اجرای پروژه نسبت به قبل از اجرای آن افزایش یافته است.

در واقع، می‌توان استدلال کرد که اجرای پروژه RFLDL در این روستا توانسته است با اعتمادسازی و ایجاد بستر مناسب جهت مشارکت و هم‌کاری بین سرگروه‌های کمیته‌های توسعه روستایی، با افزایش روابط بین افراد منجر به افزایش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند زمینه مناسبی را برای دستیابی به دیگر انواع سرمایه انسانی و مالی نیز فراهم آورد و افراد به صورت برابر قدرت دستیابی به فرصت‌های اجتماعی و اقتصادی را خواهند داشت و مطروذیت و محرومیت اجتماعی نیز تا حدی زیادی به دنبال افزایش سرمایه اجتماعی کاهش خواهد یافت.

محلی و نمایندگان روستاهای یادشده در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه RFLDL مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت. در این بخش، شاخص‌های سطح کلان سنجش و ارزیابی شده است.

۱.۱.۴. شاخص تراکم و میزان انسجام و پویایی سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بین سرگروه‌های چهار روستا در دو مرحله قبل و بعد از اجرای پروژه RFLDL

جهت سنجش میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی بین سرگروه‌های چهار روستا شاخص تراکم شبکه مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج شاخص تراکم در پیوندهای اعتماد، مشارکت در جدول (۲) آورده شده است.

براساس نتایج این جدول، میزان شاخص تراکم در پیوند اعتماد بین سرگروه‌های این چهار روستا در مرحله قبل از اجرای پروژه ۲۶/۹۰ درصد (کم) بوده و در مرحله بعد از اجرای پروژه با افزایش ۱۲/۱ درصدی به ۳۹ درصد (کم) رسیده است. همچنین، اندازه شاخص تراکم در پیوند مشارکت

جدول ۲- میزان شاخص تراکم بین سرگروه‌های روستاهای زیارت شاه، رستم‌آباد، ده رضا و علی‌آباد

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

مرز اکولوژیک	پیوند	درصد تراکم در مرحله قبل از اجرای پروژه	درصد تراکم در مرحله بعد از اجرای پروژه
زیارت شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری	اعتماد	۲۶/۹	۳۹
	مشارکت	۲۵/۷	۳۴

۲.۱.۴. میزان دوسویگی پیوندها

۴۰/۴۱ درصد و بعد از اجرای آن ۴۸/۳۵ درصد است. مطابق نتایج به‌دست‌آمده در مرحله قبل از اجرای پروژه، میزان شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد متوسط، در پیوند مشارکت کم می‌باشد.

با توجه به جدول (۳) اندازه شاخص دوسویگی در پیوند اعتماد در مرحله قبل از اجرای پروژه به میزان ۴۷/۱۵ درصد و بعد از اجرای آن میزان ۵۳/۱۶ درصد می‌باشد. اندازه این شاخص در پیوند مشارکت در مرحله قبل از اجرای پروژه

جدول ۳- شاخص دوسویگی پیوندها بین سرگروه‌های روستاهای مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

مرز اکولوژیک	نوع پیوند	مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه
روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، ده‌رضا و علی‌آباد هشتصدمتری	اعتماد	دوسویگی (%) ۴۷/۱۵	دوسویگی (%) ۵۳/۱۶
	مشارکت	دوسویگی (%) ۴۰/۴۱	دوسویگی (%) ۴۸/۳۵

۳.۱.۴. میانگین فاصله ژئودزیک

با توجه به جدول (۴) در مرحله قبل از اجرای پروژه RFLDL، میانگین فاصله ژئودزیک در میان سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری در پیوند اعتماد ۲/۰۵ بوده که در مرحله بعد از اجرای پروژه به ۱/۶۱ و به میزان ۰/۴۴ کاهش یافته است که نشان می‌دهد سرعت گردش اعتماد و مشارکت بین آن‌ها متوسط است.

پیوند مشارکت در مرحله قبل از اجرای پروژه میزان ۲/۰۹ و بعد از اجرای آن به ۱/۶۷ و به میزان ۰/۴۲ کاهش یافته است. با توجه به نتایج می‌توان گفت که با کاهش میانگین فاصله ژئودزیک در هر دو پیوند اعتماد، مشارکت بعد از اجرای پروژه RFLDL، فاصله اجتماعی بین دو فرد کاهش یافته و به کوتاه‌ترین فاصله بین آن‌ها رسیده است؛ به این معنی که افراد برای برقراری ارتباط با یکدیگر زمان کوتاه‌تری را سپری می‌کنند.

جدول ۴- میانگین فاصله ژئودزیک بین سرگروه‌های روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۴

میانگین فاصله ژئودزیک		پیوند	مرز اکولوژیک
مرحله قبل از اجرای پروژه	مرحله بعد از اجرای پروژه		
۲/۰۵	۱/۶۱	اعتماد	روستاهای زیارت‌شاه، رستم‌آباد علی‌چارک،
۲/۰۹	۱/۶۷	مشارکت	ده‌رضا و علی‌آباد هشتصدمتری

۴.۱.۴. اندازه شاخص E-I در سطح کلان شبکه

سرگروه‌های چهار منطقه

براساس نتایج این شاخص می‌توان بیان کرد در سطح کلان شبکه سرگروه‌های چهار منطقه، در قبل از اجرای پروژه تعداد پیوند درون‌گروهی ۲۲۰ و تعداد پیوند برون‌گروهی ۱۶۶، برای پیوند اعتماد و برای پیوند مشارکت تعداد پیوند درون‌گروهی ۲۲۴ و تعداد پیوند برون‌گروهی ۱۶۲ است. بعد از اجرای پروژه برای پیوند اعتماد تعداد پیوندهای درون‌گروهی ۲۳۶ و تعداد پیوندهای برون‌گروهی ۳۰۲ و برای پیوند مشارکت تعداد پیوندهای درون‌گروهی به ۲۳۴ و تعداد پیوندهای برون‌گروهی به ۲۵۰ تغییر کرده است. از این رو، می‌توان اعا کرد که در بعد ذهنی سرمایه اجتماعی (اعتماد)، میزان اعتماد برون‌گروهی به میزان حدود ۲ برابر بین ۴ روستای پایلوت افزایش یافته است و از نظر مشارکت به عنوان یکی از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی، میزان این شاخص در حدود ۱/۵ برابر افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان بیان کرد که این امر به نوبه خود در کاهش مطروودیت اجتماعی نقش مهمی را ایفا می‌کند.

۵. بحث و نتیجه‌گیری

در این تحقیق، میزان سرمایه اجتماعی برون‌گروهی در راستای کاهش مطروودیت اجتماعی، قبل و بعد از اجرای پروژه

اجتماع محور RFLDL در چهار روستای رستم‌آباد علی‌چارک، زیارت‌شاه، ده رضا و علی‌آباد هشتصدمتری اندازه‌گیری شده است. جهت سنجش سرمایه اجتماعی برون‌گروهی، روابط بین سرگروه‌های کمیته‌های خرد توسعه در مناطق چهارگانه براساس دو پیوند اعتماد و مشارکت اجتماعی و شاخص‌هایی چون تراکم، دوسویگی پیوندها، شاخص E-I و میانگین فاصله ژئودزیک مورد تحلیل قرار گرفته است.

براساس نتایج به‌دست‌آمده در این چهار منطقه، میزان تراکم در پیوند اعتماد تقریباً کم و کمبود پیوند مشارکت در این روستا یک چالش عمده در مدیریت مشارکتی محسوب می‌شود که پس از اجرای پروژه RFLDL میزان تراکم بین افراد به میزان مطلوبی افزایش یافته است و افزایش میزان تراکم در افراد سبب توسعه اعتماد، مشارکت و سرمایه اجتماعی در سطح افراد شده است. سرمایه اجتماعی به دلیل بهبود و تسهیل فعالیت‌های جمعی، عاملی مهم در کاهش طرد اجتماعی محسوب می‌شود (دیویس و هم‌کاران، ۲۰۰۱، ص. ۱۷۵۴). میزان نهادینه‌شدن عرف‌ها و سنت‌های محلی و پایداری و تعادل شبکه براساس پیوند اعتماد و مشارکت متوسط ارزیابی می‌شود (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۰) و نشان می‌دهد افراد دارای روابط نهادینه کمی بوده و شبکه‌ای

به مشارکت و ارتباط افراد با یکدیگر می شود و از این طریق نقش مهمی در کاهش مطرودیت دارد (عبدالحمید و همکاران، ۲۰۱۰، ص. ۵۶۵). افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی از گسیختگی و آسیب پذیری جامعه جلوگیری کرده و دسترسی به اطلاعات و منابع را فراتر از افرادی که در محدوده اجتماعی قرار دارند، ممکن می سازد. بنابراین، شناخت این روابط از طریق روش تحلیل شبکه‌ای امکان پذیر است و علاوه بر این، براساس این روش می توان اثربخشی پروژه‌های توانمندسازی جوامع محلی را از نگاه سرمایه اجتماعی و طرد اجتماعی مورد ارزیابی قرار داد.

یادداشت‌ها

1. Rehabilitation of Forest Landscapes and Degraded Land
2. ischer
3. Poggi
4. Zanini
5. Richard
6. Vignola, McDaniels & Scholz
7. Wasseman & Faust
8. Network Density
9. koutsou
10. Hanneman & Riddle
11. Reciprocity
12. Leahy & Anderson
13. Average of Geodesic Distance
14. Buckle
15. Lienert
16. Davis, Kang & Vincent
17. Vilanova & josa
18. suzuki
19. Abdul-Hakim, Abdul-Razak & Ismail
20. Stern & Coleman
21. Carlson & Breks
22. Avramov
23. External ° Internal Connections

متزلزل را که دارای توازن و تعادل نامطلوب است، به وجود آورده‌اند. بنابراین، نیاز به تقویت روابط دوسویه و متقابل جهت پایداری شبکه در راستای افزایش سرمایه اجتماعی است که پس از اجرای پروژه RFLDL این میزان به حد مطلوبی افزایش یافته است.

میانگین فاصله ژئودزیک در دو پیوند اعتماد و مشارکت به ترتیب ۲/۰۵ و ۲/۰۹ است که بیانگر سرعت پایین گردش اعتماد و اتحاد و یگانگی و مشارکت افراد است و پس از اجرای این پروژه این میزان بهبود یافته و به مقدار ۱/۶۱ و ۱/۶۷ برای دو پیوند اعتماد و مشارکت رسیده که نشانگر سرعت بالای گردش اعتماد و مشارکت بین افراد است. در واقع، با توجه به اهمیت زمان و سرعت هماهنگ ساختن در بحث مدیریت مشارکتی، تقویت پیوند اعتماد و به‌ویژه مشارکت جهت افزایش سرعت گردش این پیوند بین افراد و به دنبال آن کاهش زمان هماهنگی و اتحاد بین بهره‌برداران محلی بسیار مهم است. نتایج سایر محققان نیز این ادعا را مورد تأکید قرار داده است (سالاری، ۱۳۹۳، ص. ۱۸۴).

براساس نتایج شاخص E-I می توان گفت که اجرای پروژه توانمندسازی جوامع محلی (RFLDL) در چهار منطقه شهرستان ریگان سبب تقویت سرمایه اجتماعی برون گروهی شده که این امر به نوبه خود بر کاهش مطرودیت اجتماعی می تواند اثرگذار باشد. با تأکید بر نگاه جامعه‌شناختی به طرد اجتماعی عمدتاً طرد اجتماعی و شبکه‌ای محرومیت را به دنبال داشته که افزایش مشارکت اجتماعی به عنوان یک سیاست ادغام‌گرا می تواند کاهش طرد را به دنبال داشته باشد (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۷). از آنجا که افزایش سرمایه اجتماعی برون گروهی کاهش طرد اجتماعی را به دنبال دارد، می توان استدلال کرد که پروژه RFLDL با افزایش روابط برون گروهی فقر شبکه‌ای و مطرودیت اجتماعی را در مناطق پایلوت کاهش داده است. قربانی، عوض‌پور و خراسانی (۱۳۹۴) نیز در شهرستان سرایان به نتایج مشابه رسیده‌اند. با توجه به اهمیت سرمایه اجتماعی برون گروهی در راستای کاهش مطرودیت، تقویت پیوندهای پلی در شبکه یک امر ضروری است و مهم‌ترین کانال‌های ارتباطی سرگروه‌های هر یک از کمیته‌های خرد توسعه در چهار منطقه می‌باشند. می توان ادعا کرد که این پروژه در روابط بین روستاها تا حدود زیادی موفق بوده است که مقایسه شرایط قبل و بعد از اجرای پروژه این ادعا را اثبات می کند. تقویت سرمایه اجتماعی منجر

References

1. Abdul-Hakim, R., Abdul-Razak, N. A., & Ismail, R. (2010). Does social capital reduce poverty? A case study of rural households in Terengganu, Malaysia. *European Journal of Social Sciences*, 14(4), 556-566.
2. Avramov, D. (2002). *People, demography and social exclusion* (Vol. 37). Strasbourg, Belgium: Council of Europe publication.
3. Buckle, P. (2000). New Approaches to assessing vulnerability and resilience. *Australian Journal of Emergency Management*, 15(2), 8-14.
4. Carlsson, L., & Berkes, F. (2005). Co-management concepts and methodological implications. *Journal of Environmental Management*, 75 (23), 65-76.
5. Darvishi, A., Ghorbani, M., Fakheran, S., & Safiyanian, A. R. (1393/2014). Network analysis and key factors in the management of wildlife (Habitat study area of Black-cock Qafqazy- Biosphere Reserve Arasbaran). *Journal of Applied Ecology*, 1(9), 29-40. [In Persian]
6. Davis, J., Kang, A., & Vincent, J. (2001). How important is improved water infrastructure to microenterprises? Evidence from Uganda. *Journal of World Development*. 29(10): 1753-1767.
7. Ebrahimi, F., Ghorbani, M., Salajageh, A. S., & Mohseni Saravi, M. (1393/2014). Social network analysis of local stakeholders in participatory management of water resources (Case study: Jajrud river - Darbandsar village). *Journal of Management and Engineering of Watershed*, 8(25), 47-56. [In Persian]
8. Firozabadi, S. A., & Sadeghi, A. R. (1389/2010). Social exclusion status of poor rural women. *Iranian Journal of Social Issues*, 1(1), 143-174. [In Persian]
9. Fischer, H.W. (2001). The deconstruction of the command and control model: A postmodern analysis. *Annual Meeting of the European Sociological Association*, Helsinki.
10. Ghorbani, M. (1394/2015a). National Plan of social network analysis, modeling, policy-making and implementation of participatory management of natural resources (phase II). Tehran: Department of Natural Resources, University of Tehran. [In Persian]
11. Ghorbani, M. (1394/2015b). Monitoring and evaluation of policy action plan document social networks in empowering local communities and territories land management. Tehran: Faculty of Natural Resources, Tehran University. [In Persian]
12. Ghorbani, M., & Dehbozorgi, M. (1392/2013). Stakeholder analysis, social power and network analysis in participatory management of natural resources. *Iranian Journal of Natural Resources*, 8 (6), 141-157. [In Persian]
13. Ghorbani, M., Avazpour, L., & Khorasani, M. A. (1394/2015). Analysis and evaluation of the development of micro-networks of social capital in local sustainable development (Case study: RFLDL international project, city of Sarayan). *Journal of Rural Studies*, 6(23), 545-566. [In Persian]
14. Ghorbani, M., Salari, F., Saedi Garghani, H. R., & Sanaie, A. (1394/2015). Analysis of the links in the network of trust and social participation of beneficiaries in participatory rangeland management (Case study: Gargo- area, Kohgiluyeh and Boyerahmad Province). *Journal of Rangeland*, 9(2), 181-194. [In Persian]
15. Hanneman, R. A., & Riddle, M. (2005). *Introduction to social network methods*. California: University of California.
16. Karegar, S., Nooshafarin, B., Yousefi, M., & Habili, R. (1394/2015). *Forest and degraded land reclamation: International project's executive report (RFLDL)*. Birjand: Chahardarakht Publication. [In Persian]
17. Leahy, E., & Anderson, H. (2008). Trust Factors in Community° water Resources Management Agency Relationships. *Journal of Landscape and Urban Planning*, 8(87), 100° 107.
18. Lienert, J., Schnetzer, F., & Ingold, K. (2013). Stakeholder analysis combined with social network analysis provides fine-grained insights into water infrastructure planning processes. *Journal of Environmental Management*, 15(125), 134 -148.
19. Ministry of Agriculture Jihad. (1393/2014). *The activities and achievements of the RFLDL project*. Birjand: South Khorasan RFLDL Project Office. [In Persian]
20. Mohseni Tabrizi, A. (1369/1990). *Investigation of the roots of rural participation and its relationship with agricultural extension*. Tehran: Delegation for the Promotion and Participation of the Ministry of Jihad-e Productivity. [In Persian]

21. Mohseni Tabrizi, A. R., Moeedfar, S., & Golabi, F. (1390/2011). Investigating social trust with a view to the generation. *Journal of Applied Sociology*, 21(1), 41-70. [In Persian]
22. Oakley, P., & Marsden, D. (1380/2001). *Participatory approaches in rural development* (M. Hosseini, Trans.). Tehran: Center for Research and Rural Issues, Ministry of Agriculture. [In Persian]
23. Poggi, A. (2004). *Social Exclusion in Spain: Measurement Theory and Application*. Barcelona: Department de Economia Aplicada, University Autonoma de Barcelona.
24. Richard, M. T. (2016). Structural characteristics of social capital in sustainable community development of selected arid regions in Iran (Unpublished Bachelor thesis). ETHZ University. 103p.
25. Salari, F. (1393/2014). *Modeling and analyzing watershed network in Rezin watershed in Kermanshah* (Unpublished master's thesis). Tehran: University of Tehran. [In Persian]
26. Stern, M. J., & Coleman, K.J. (2014). The Multidimensionality of Trust: Applications in Collaborative Natural Resource Management. *Journal of Society & Natural Resources*, 28(3), 117° 132.
27. Suzuki, E., Takao, S., Subramanian, S.V., Komatsu, H., Doi, H., & Kawachi, I. (2010). Does low work place social capital have detrimental effect on worker s health? *Social science and Medicine*, 70, 1367- 1372.
28. Taj bakhsh, K. (1389/2010). *Social capital, trust, democracy and development*. Tehran: Shirazeh publication. [In Persian]
29. Tajmazinani, A. (1390/2011). *Literature review on the situation of young people in Iran and determination of prior issues related to the youth of the country (1th Ed.)*. Tehran: UNICEF Representative in Iran Publications. [In Persian]
30. Tavalae, H., & Ali Pour, F. (2014). Community-based participatory research within the framework of symbolic interaction theory. *Proceedings of the National Conference on Social Issues and Community-Based Approach*, Department of Social Sciences, University of Isfahan, Isfahan, Iran. [In Persian]
31. Tosi, M. A. (1991). *Participation in ownership and management*. Tehran: State Management Training Center. [In Persian]
32. Vignola, R., McDaniels, T.L., & Scholz, R, W. (2013). Governance structures for ecosystem-based adaptation: Using policy network analysis to identify key organizations for bridging information across scales and policy areas. *Environmental Science & Policy*, 31, 71-84.
33. Wasserman, S., & Faust, F. (1994). *Social Network Analysis: Methods and applications*. Cambridge, MA: Cambridge University Press.
34. Zanini, M.T.F., & Migueles, C.P. (2013). Trust as an element of informal coordination and its relationship with organizational performance. *Economia*, 14(2), 77° 87.